شهرآرا

شنبه

سال پانزدهم
۴ آذر ۱۴۰۲
۱۱ جمادی‌الاولی ۱۴۴۵
شماره ۴۰۹۲

SHAHRARANEWS.IR
Mashhadchehreh.ir
Photoshahr.ir

میثاق‌نامه اخلاق حرفه‌ای

- روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی
- صاحب امتیاز: شهرداری مشهد
- مدیر مسئول: سید میثم موسوی مهر
- سردبیر: سید سجاد طلوع هاشمی
- نشانی: خیابان کوهسنگی، ابتدای کوهسنگی ۱۵
- شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹

به اطلاع مخاطبان محترم روزنامه شهرآرا می‌رساند، به زودی شماره‌های تماس با این مؤسسه اعلام خواهد شد.



دمای هوای مشهد

رطوبت هوا ۳۳٪ ↓ ۶° ↑ ۱۹°

صبح ۸°	ظهر ۱۷°
عصر ۱۴°	شب ۱۱°

اوقات شرعی مشهد

اذان ظهر ۱۱:۱۸:۲۶	نیمه شب شرعی ۲۲:۳۴:۰۲
غروب آفتاب ۱۶:۱۸:۲۶	اذان صبح فردا ۰۴:۴۹:۳۹
اذان مغرب ۱۶:۳۸:۲۰	طلوع آفتاب فردا ۰۶:۱۸:۲۶

کارتون شهر



رضا جنگی

ذخیره آب سدهای مشهد به ۶ درصد رسید.

شوخی بی‌شوخی

عوارض پیمایش



مهدی محمدی طنزپرداز

همان طور که در جریان هستید نمایندگان مجلس تصویب کردند در بودجه سال ۱۴۰۳ از تمام وسایل نقلیه که در بزرگراه‌ها حرکت می‌کنند به ازای هر کیلومتر پیمایش مسیر، عوارض دریافت شود.

شاید بعضی ناراحت شوند و بگویند: «آخه روی چه حساب، باید به ازای هر کیلومتر پیمایش، یک پولی تحت عنوان عوارض پرداخت کنیم؟»

در پاسخ باید گفت که خوشبختانه غیر از پیمایش فوق خیلی پیمایش ها هستند که بابتشان عوارض نمی دهیم.

مثلا در بودجه سال آینده از مسیر پیمایش اکسیژن در بدن، یعنی حفره بینی، حلق، نای و ریه عوارض دریافت نمی شود، این بدان معناست که بابت نفس کشیدن در سال آینده نیاز به پرداخت عوارض نیست و خلاصه تا آخر سال ۱۴۰۳ می توانید با خیال راحت نفس بکشید. اگرچه ممکن است برای بودجه سال ۱۴۰۴ تصویب شود که هم از دم و هم از بازدم، عوارض دریافت شود.

همچنین برای رفاه مردم در سال ۱۴۰۳، حتی بابت مسیر پیمایش غذا به معده و مسیر خروجی آن از معده هم عوارضی دریافت نمی شود.

البته این ها که گفتیم تنها پیمایش های بدون دادن عوارض نیست. علاوه بر موارد فوق خیلی وقت ها ما مسیری را پیمایش می کنیم تا یک جنسی بخریم و می بینیم خیلی گران است و باز دوباره پیمایش می کنیم می رویم یک مغازه دیگر تا شاید هزار تومان ارزان تر بتوانیم بخریم. خوشبختانه حتی بابت یک قدم از این همه پیمایش عوارض نمی دهیم. همچنین مسیر پیمایش برای پیدا کردن شیرخشک از این داروخانه به آن داروخانه و از آن داروخانه به یک داروخانه دیگر که معمولا مسیری خیلی طولانی است نیز مشمول پرداخت عوارض نیست.

مسیری را هم که پیمایش می کنیم تا به عنوان ارباب رجوع به اداره برسیم عوارض ندارد. داخل اداره هم مدام ما را از این اتاق به آن اتاق می فرستند که آن هم عوارض ندارد. تازه بعدش هم که به ما می گویند سیستم قطع است و فردا بیا و ما دوباره همان مسیر را به سمت خانه پیمایش می کنیم عوارض نمی پردازیم.

البته اگر با این همه نکات مثبت همچنان بابت عوارض پیمایش ناراحت هستید به شما یک ترفند یاد می دهیم که در آن نیازی به دادن عوارض نیست. آن هم این است که بدون وسایل نقلیه و فقط پیاده در بزرگراه ها حرکت کنید. این طوری با خیال راحت هر چند هزار کیلومتر هم خواستید در سال ۱۴۰۳ می توانید در بزرگراه ها قدم بزنید بدون اینکه بابت حتی یک متر پیمایش عوارض بدهید.

فقط حواستان باشد که این قدم زدن ها در بزرگراه ها را زود ترشروع کنید چون ممکن است سال بعدترش علاوه بر وسایل نقلیه، از پیاده ها هم عوارض بگیرند.

اول شخص

پرتو درخشان سینمای ایران

یادی از کامبوزیا پرتوی، فیلم نامه نویس و کارگردان فقید سینمای ایران هم زمان با سالروز درگذشتش



نویسنده آزاده چشمه‌سنگی

پدر، درزندگی کامبوزیا پرتوی، عنصرکلیدی گرایش او به هنر بود. کارمند ساده اداره پست و تلگراف روستای رستم آبادگیلان که بسیارکتاب می خواند و کتابخانه پربار و خوبی داشت.

دهه ۳۰ و روستای کوچک رستم آباد، چیزهای زیادی برای سرگرم شدن کودکان نداشت. پس کتاب، صمیمی ترین رفیق روزهای کودکی کامبوزیا پرتوی شد. او، ۱۰ساله بودکه به واسطه کار پدر از زمین های سرسبزگیلان به جنب و جوش پایتخت آمد و پس ازآنکه به مدرسه تازه اش رفت، ازمجاورت کتابخانه کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان با محل تحصیلش به وجد آمد. همسایگی با انبوه کتاب ها از یک سو و مجال تماشای فیلم روی پرده سینما از سوی دیگر، پایتخت را به خانه گرم و دوست داشتنی کامبوزیا پرتوی تبدیل کرد. او که از سال های کودکی، با آلات تعزیه خوانی پدرش سرگرم بود و زمزمه علی اکبرخوانی هایش را به یاد داشت، حالا پس از سال ها هم نشینی با ادبیات، وارد دبیرستان می شد و در میان هم‌کلاسی هایش، همان کسی بودکه زیباترین انشاها را درکلاس قرائت می‌کرد. روابط دوستانه او دردوران دبیرستان نیز محدود به هم سن و سال هایش نمی شد. نشست و برخاست با دوستان دانشجوی او در آن سال ها، پایش را پیش از قبولی در کنکور به کلاس های دانشگاه باز کرد و به عنوان مستمع آزاد از محضر استادان برجسته آن زمان حظ می برد. سپس یافته هایش را در قالب تشکیل گروه تئاتر مدرسه و اجرای نمایش های خلاقانه بروز می داد.

با پایان تحصیلات متوسطه به خدمت سربازی رفت و پس از بازگشت، بلافاصله در کنکور شرکت کرد و با قبولی در رشته ادبیات دراماتیک به دانشگاه هنرهای دراماتیک راه یافت. ورود او به دانشگاه هم زمان با سال های انقلاب فرهنگی و تحولات سیاسی کشور بود. او که فعالیت هنری خود را با سینمای آزاد دماوند آغازکرده بود، نخستین فیلم بلند سینمایی اش را با عنوان «عینک» برای رسانه ملی ساخت و پس از آن فیلم نامه «ماهی» را با محوریت سینمای کودک و نوجوان در سال ۱۳۶۶ نوشت و کارگردانی کرد. فیلم سینمایی موفقی که با مضامین کودکی، فقر و شب عید موفق شد توجه داوران را در جشنواره های داخلی به خود جلب کند و پروانه زرین بهترین فیلم کودک و نوجوان را بر شانه های کامبوزیا پرتوی بنشاند و خیلی زود به جشنواره های خارجی برسد و از جشنواره های فیلم بوگاتا و جیفونی جوایز متعددی دریافت کند.

کامبوزیا پرتوی، در حالی که به توفیقات متعدد در فیلم «ماهی» دست یافته بود، فیلم نامه «شیرک» را برای داریوش مهرجویی نوشته بود و متن «خانه در انتظار» را در مرحله نگارش داشت، تصمیم گرفت دانشگاه را نیمه تمام رها کند و باقی انرژی و تمرکز خود را بر نگارش طرح هایی بگذارد که شبانه روز در مغزش می چرخید زیرا تجربیات فیلم سازی برای او آورده های بیشتر از حضور در دانشگاه و ادامه تحصیلات داشت. با فراغت از دانشگاه، «گلنار» به یکی از جدی ترین پروژه های سینمایی او تبدیل شد که سال ۱۳۶۸ موفق شد به رؤیای کودکان دهه ۶۰، رنگ تازه ای بپاشد.

فیلمی که به سرعت به یکی از محبوب ترین تولیدات کودک در آن سال ها تبدیل شد و با اقتباس از یک افسانه روسی حول محور زندگی دخترکی گم شده در جنگل، در دل هزاران کودک ایرانی راه یافت. پس از این تجربه موفق بودکه در سال ۱۳۶۹ سومین ساخته بلند سینمایی پرتوی باز هم در خدمت کودکان تولید شد و «گربه آوازه خوان» بار دیگر گیشه ها را مملو از حضور کودکان کرد.

سال ۱۳۷۱ کامبوزیا پرتوی بار دیگر به سراغ کودکان رفت، اما این بار جنگ را دستمایه روایت های خود قرار داد و برای نخستین بار، اثری درباره حضور کودکان در سال های دفاع مقدس تولید کرد. همکاری او با سیروس الوند، دیپلم افتخار بهترین فیلم جنگی از یازدهمین جشنواره فیلم فجر را تقدیم تیم تولید کرد. با توفیق نیافتن در فیلم «افسانه دو خواهر» در سال ۱۳۷۳، تا سال ۱۳۸۳، بیش از هرچیز در قامت فیلم نامه نویس ظاهر شد و در این بین بیشترین همکاری را با رسول صدرعاملی داشت که به ساخت فیلم هایی چون «من ترانه پانزده سال دارم»، «دیشب باباتو دیدم آیدا»، «هرشب تنهایی» و «شب» انجامید.

او پس از موفقیت در ساخت فیلم «کافه ترانزیت» در سال ۱۳۸۳، مسیر فیلم نامه نویسی را در پیش گرفت. نگارش فیلم نامه «محمدرسول ا...» در زمره درخشان ترین آثار او بودکه با همکاری مجید مجیدی و حمید امجد به رشته تحریر درآمد. او سه سال پیش از مرگ، آخرین ساخته بلند سینمایی خود را با عنوان «کامیون» تولید کرد و پس از آن در سال ۱۳۹۹ بر اثر عوارض بیماری قلبی و درگیری با ویروس کرونا در ۴ آذر ۱۳۹۹ از دنیا رفت و در قطعه هنرمندان بهشت زهرا(س) تهران آرام گرفت.

گربه های آوازه خوان

فیلم سینمایی «گربه های آوازه خوان» به کارگردانی و نویسندگی کامبوزیا پرتوی سال ۱۳۶۹ تولید شد و در تابستان ۱۳۷۰ روی پرده سینماهای کشور رفت.

در خلاصه داستان این فیلم آمده است: «حَسنی و خواهرش گلدونه در پرورشگاه زندگی می‌کنند، روزی زن و شوهری برای انتخاب فرزند به پرورشگاه می‌آیند و گلدونه مورد توجه آن‌ها قرار می‌گیرد.

هنگامی که آن‌ها قصد دارند با توافق مدیر پرورشگاه گلدونه را با خود ببرند، حسنی با تکرار این واقعیت که آن‌ها دارای پدری هستند که روزی آن‌ها را از سر فقر و ناچاری جلو پرورشگاه گذاشته و دوباره سراغ آن‌ها خواهد آمد، از بردن خواهرش جلوگیری می‌کند.»



کامیون

آخرین ساخته سینمایی کامبوزیا پرتوی در ژانر درام اجتماعی است که نویسندگی آن را نیز برعهده داشت. موضوع فیلم درباره زنی ایزدی از اهالی کردستان عراق است که با حمله داعشی ها، به سمت تهران حرکت می‌کند تا بتواند به شوهرش بپیوندد. در این مسیر با یک کامیون عبوری که بار به کردستان می برد، همراه می شود و به سمت تهران حرکت می‌کند. این فیلم در سی و ششمین جشنواره فیلم فجر نامزد بهترین فیلم، بهترین فیلم نامه، بهترین کارگردانی، بهترین بازیگر نقش اول مرد (سعید آقاخانی)، بهترین تدوین و بهترین چهره پردازی شد و در نهایت سیمرغ بلورین بهترین فیلم نامه را از آن خود کرد.



چکامه

اندر فضیلت خاموشی

اگر پای در دامن آری چو کوه
سرت ز آسمان بگذرد در شکوه
زبان درکش ای مرد بسیار دان
که فردا قلم نیست بر بی زبان
صدف وار گوهرشناسان راز
دهان جز به لؤلؤ نکردند باز
فراوان سخن باشد آکنده گوش
نصیحت نگیرد مگر در خموش
چو خواهی که گویی نفس بر نفس
حلاوت نیابی و گفتار کس
نباید سخن گفت ناساخته
نشاید بریدن نینداخته
تأمل کنان در خطا و صواب
به از ژاژخایان حاضر جواب
کمال است در نفس انسان سخن
تو خود را به گفتار ناقص مکن
کم آواز هرگز نبینی خجل
جوی مشک بهتر که یک توده گل
حذر کن ز نادان ده مرده گوی
چو دانا یکی گوی و پرورده گوی
صد انداختی تیر و هر صد خطاست
اگر هوشمندی یک انداز و راست
چرا گوید آن چیز در خفیه مرد
که گر فاش گردد شود روی زرد؟
مکن پیش دیوار غیبت بسی
بود کز پسش گوش دارد کسی
درون دلت شهربند است راز
نگر تا نبیند در شهر باز
از آن مرد دانا دهان دوخته ست
که بیند که شمع از زبان سوخته ست

بوستان سعدی

